



ماهنامه سراسری

ماهنامه سراسری
«میدان آزادی»

شماره: ۱۷
۳۰ تیرماه ۱۴۰۳
قیمت: ۸۰۰۰ تومان

آقای ازه‌ای، پول طلبکارها آماده است امانی گذارند آزادشوم!
اموال: ۱۰۰۰ میلیارد و بدهی: ۲۴۰ میلیارد
آیا مشکوک نیست؟



صفحه ۱

گزارش سیدهای کسب‌وکار زاده از کار آفرینی که حکم برائت او صادر شد

۱۱۸۵ روز انفرادی و زندان

**بی گناه
حکم برائت صادر شد
گاف قضایی**

اسماعیل پیروز، که در تاریخ ۲۲ تیرماه ۱۳۹۰ با همکاری سپاه‌پیش از هزار حقوق‌دان راعضو بسیج کرد و قصد داشت با هماهنگی وزارت کشور و بسیج همایش میثاق حقوق‌دانان بسیجی با ولایت را بر گزار کند در روز همایش با او برخورد شد و علی‌رغم هزینه بسیار همایش او از سوی دادستان وقت تهران لغو و پس از مدتی دستگیر و به انفرادی زندان اوین منتقل شد. همچنین طی پرونده سازی هماهنگ او به سه سال زندان و رد مال محکوم شد. حالا پس از ۷ سال حکم برائت و بی گناهی او صادر شده است. در حالی که میلیاردها تومان ضرر مالی همراه با بی‌آبرویی در میان رسانه‌ها، مسئولان و جامعه حقوقی رادر برداشته است. جالب آنکه قوه قضائیه شکایت او علیه قاضی پرونده را نپذیرفته تا قضات در پوششی امن همچنان بر این نحوه قضاوت خود ادامه دهند. اسماعیل پیروز و وکیل او از رئیس قوه قضائیه (حجت الاسلام محسنی ازه‌ای) خواسته‌اند تا با تنقیح برخی قوانین و اجرای قوانین موجود بر این رفتارها نظارت بیشتری داشته باشند تا شاید هزاران بی‌گناه همانند این پرونده اینطور بی‌آبرو و متضرر نشوند و قضات پر اشتباه و فوق قانون برکنار و جریمه شوند.

صفحه ۲

«کیمیا»: بیشتر حاشیه دارد

خودم را برای المپیک ۲۰۲۸ آماده می‌کنم



**شمسچان دلان در
ورزش ایران یکه
تازی می‌کنند**

صفحه ۲

«مس ایران» وجدیدترین افشاگری فساد یک روزنامه‌نگار

سید هادی کسب‌وکار زاده از برخی نهادهای نظارتی خواست خانه فساد را ویران کنند. او گفت: مستندات دست من است، ناامید هستم که شما با فساد مبارزه کنید. چون بارها شاهد بودم معامله شده است.

صفحه ۲

برخی از طلبکاران را پرداخت کرده در پرونده چیزی درج نشده است. از همه مهمتر آنکه ۵۷۰ نفر از شکات هم از پرونده حذف شدند. در مورد دیگر کارشناسان برای قیمت گذاری برخی از املاک او توجه چندانی به موقعیت و کاربری ملک نداشتند و درخواست تجدید کارشناسی داده شده اما در نهایت آن هم مسکوت مانده است. چرا باید قوه قضائیه متهمانی که شاکتی خصوصی دارند و امنیتی و خرابکار نیستند را در زندان ترشی بیندازد؟ چرا ناظر بر زندان و دادستانی دستور فوری بررسی نمی‌دهند؟ مگر هزینه زندانیان با دولت نیست؟ مگر یک زندانی بار مالی برای کشور ندارد؟ مگر افزایش طول زندان برای فردی که می‌توانست چند سال قبل آزاد شود برای قوه قضائیه هزینه ندارد؟ درخواست رضا عظیمی دو سال قبل هم منتشر شد اما هیچ توجهی به آن نشده است. واقعا چه افرادی می‌خواهند امثال این افراد کارآفرین در زندان بمانند؟ آزادی آنها برای چه کسانی خطرناک است؟

اموال: یک هزار میلیارد میزان بدهی: ۲۴۰ میلیارد!

علی‌رغم اینکه رضا عظیمی بارها گفته می‌خواهم بدهی‌هایم و رد مال و جزای نقدی را پرداخت کنم اما...



رضاعظیمی مالک شرکت بزرگ عظیم خودرو که بیش از ۶ سال در زندان به سر می‌برد از رئیس قوه قضائیه خواسته شخصاً پرونده او را مطالعه کند. املاک او که می‌توانست با فروش آن از زندان رها شود با کندی و گویی انگار عاملان‌های در حال بررسی است و همین موجب اعتراض وکیل عظیمی شده است. جالب آنکه بر اساس گفته وکیل پرونده رضاعظیمی نامبرده بارها درخواست و اعلام کرده که آماده پرداخت رد مال و تسویه جزای نقدی است اما ترتیب اثری داده نشده است. حتی پرینت قضایی متهم را اصلاح نکردند و با اینکه بدهی

صدور حکم برائت کارآفرین بی گناه پس از ۳ ماه انفرادی و ۳ سال زندان!

اسماعیل پیروز که قصد داشت همایش بزرگ میثاق حقوقدانان بسیجی با ولایت را در تالار وزارت کشور با مجوز برگزار شد دستان پشت پرده مانع این اقدام شده و با پرونده سازی او را سه ماه انفرادی و سه سال حبس کردند. اما با ورود وکیل به پرونده بی گناهی او اثبات شد تا تاریخ حقوقی ایران گاف بزرگ قوه قضائیه را ثبت کند.

گفت و گویا

اسماعیل پیروز (متهم) و علی حاجی پور وکیل

او پس از آبروریزی رسانه‌ای از سوی قوه قضائیه، چند ماه انفرادی در زندان اوین، تحمل سه سال حبس و پرداخت چندین میلیارد تومان جریمه و رد مال آزاد شد. و پس از پی گیری «پرونده سازی» که علیه او رخ داده بود، دادگاه او را بی گناه دانست. حالا که می خواهید از قضات پرونده بابت از بین رفتن عمر، زندگی، آبرو و سرمایه اش شکایت کنید، قوه قضائیه شکایت او را نپذیرفته است. من به عنوان یک روزنامه نگار مسلمان ایرانی این گزارش و نظمنظرات او و وکیل اش را می نویسم تا مردم خود قضاوت کنند.

*مردی که هزاران حقوقدان را بسیجی کرد

نامش اسماعیل پیروز است. مرد ۶۱ ساله کتابداری که در سال ۱۳۸۸ جامعه اسلامی فراگیر حقوقدانان و کلاهی ایران را تأسیس کرد. پس از اتفاقات سال ۸۸ در جهت ایجاد وفاق ملی میان جامعه حقوقی ایران با هماهنگی سپاه (بسیج) هزاران نفر از طریق پایگاه ممتاز بسیج شهید محبی تهران به عضویت بسیج درآمدند، که بیش از ۴۰۰ نفر از آنان اهل تسنن بودند. اسماعیل پیروز با دعوت از هزاران بسیجی عضو جامعه اسلامی حقوقدان و کلا به تهران و تقبل تمام هزینه‌ها، در صدور برگزاری همایشی تحت عنوان «میثاق حقوقدانان بسیجی با ولایت» برآمد، که قرار بود در روز ۲۲ تیرماه ۱۳۹۰ در تالار وزارت کشور با سخنرانی آیت الله مصباحی مقدم نماینده مجلس وقت و سردار محسن رضایی دبیر وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شود که برای اجرای آن هماهنگی های لازم را با نهادهایی مانند وزارت کشور، سپاه و نیروی انتظامی به عمل آورده بود. درست پس از رسیدن صداهاتویوس حامل هزاران میهمان همایش (با حضور جمعیتی قابل توجه از هموطنان اهل تسنن از بلوچستان و کردستان و کرمانشاه و ...) به حرم امام خمینی (ره) و آمادگی آنها جهت عزیمت به محل برگزاری همایش در میدان فاطمی، ناگهان و بدون اعلام قبلی، به دستور عباس جعفری دولت آبادی دادستان وقت تهران، همایش لغو شد! متعاقب آن، چندین بیانیه از سوی دادستانی تهران و جامعه اسلامی فراگیر حقوقدانان و کلاهی ایران تبادل و در فضای مجازی منتشر شد، و در نتیجه لغو همایش، صداهاتویوس (آنهم در اوایل دهه ۹۰) که اسماعیل پیروز بابت صفر تا صد برگزاری همایش هزینه کرده بود، تماماً از بین رفت.

*بسیج حقوقدانان آتش بیار معرکه!

ماجرا از این قرار بود که ظاهر مجموعه‌ای به نام «بسیج حقوقدانان» دوست نداشتند نهاد دیگری از آنها پرنگتر ظاهر شود، و در نتیجه فشار بر قوه قضائیه و وزارت معایرت این همایش بزرگ را برهم زدند. ماجرا به همین جا ختم نشد و آیت الله مصباحی مقدم این موضوع را به صحن علنی مجلس کشاند و از وزیر کشور (اسماعیل نجار) طرح سوال کرد. در این جلسه ظاهر از سوی برخی نمایندگان، موضوع پرونده فساد مالی اسماعیل پیروز مطرح می‌شود که برای ۲ سال قبل از همایش بوده است.

*دستگیری پیروز توسط حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه

با طرح این مساله، پرونده دوباره به جریان افتاد و نیروهای امنیتی و حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه با ورود به دفتر کار اسماعیل پیروز اموال او را ضبط و وی را دستگیر و روانه بند ۲۴۱ انفرادی اوین کردند. داستان «پرونده سازی» علیه اسماعیل پیروز آن بود که در سال ۱۳۸۵ شرکتی صوری با جعل هویت اعضای هیأت مدیره بود و امید به یک وثیقه گذار، و جعل مکاتبات ادار ثبت اسناد و املاک و شهرداری کرج (محل وقوع ملک)، با نفوذ نزد عواملی از شعبه مرکزی بانک کشاورزی و پرداخت رشوه موفق به گشایش اعتبار اسنادی شده و بازانه اسناد گمرکی غیرواقعی، موفق به بردن مبلغ کلان سه میلیون یورو از بانک می‌شوند. در ادامه، گیرنده وام و وثیقه گذار بر سر میزان تصاحب مال به اختلاف می‌خورند و موضوع را نزد آقای پیروز به عنوان اختلاف مالی مطرح و او را به عنوان «حکم و امانتدار» منصوب می‌کنند تا اختلاف را حکمیت کند. عوامل طرف حکمیت به جهت ارتکاب فساد مالی در بانک کشاورزی دستگیر می‌شوند و پیروز هم به رغم آنکه ارتباطی با موضوع پرونده نداشت و هیچ ملکی دال بر نقش و حضور وی وجود نداشت و حتی به ادعان جمیع متهمین پرونده، ورود ایشان در منصب داور به زمان بعد از

اصل موضوع یعنی ذکر مبانی مجرمیت و انتساب جرم می‌پردازد، با خروج واضح از بی طرفی و به طرز کاملاً ناروا به خلط نقش وی با متهمین پرداخته و با ادغام غیرموجه تر با خشک و بی گناه با گناهکار، وی را نیز مجرم شناخته و محکوم کرده بود، امری که با دو مقوله مهم «دقت شایسته در رسیدگی» و «شخصی بودن مسئولیت قضایی» منافات دارد.

*از قضات شکایت کردیم اما حکم برائت قضات صادر شد

بهر وجود و قرائن متقن مبنی بر این که اقدام قضات مشتکی عنه نه اشتباه که عمدی بوده، مرجع رسیدگی به شکایت کیفری علیه قضات، به آسانی حکم بر برائت آنان صادر کرد. متأسفانه در دادرسی کارکنان دولت این رویه‌ای به شدت در خور انتقاد است که بسیاری از شکایات علیه قضات به صرف این محمل مجمل که سوءنیت و عمد نداشتند، رد می‌شوند، حال آن‌که قاضی به عنوان «مرد قانون»، آگاهتر از سایر اقشار جامعه نسبت به بار کیفری واقعی از قبیل «تحریف واضح و مکرر و مؤثر واقعیات بوده و عالم و عامد است و اقدام وی در واژگون سازی وقایع در مقام نگارش تصمیم قضایی را نمی‌توان حمل بر نا آگاهی و غیرازادی بودن کرد، به ویژه وقتی متصف به تکرار باشد، آنهم با وجود وقایع و ادله منعکس در پرونده و قرائن حاکی از وقوف قاضی بر آنها.

*شکایت از کارشناسان رسمی دادگستری

پس از بی نتیجه ماندن شکایت از قضات، در سومین گام، علیه کارشناسان رسمی دادگستری که اطلاعات کذب به آقای پیروز نسبت داده بودند، شکایت طرح کردم؛ و در مراحل مختلف، از دادرسی انتظامی و دادگاه بدوی انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران تا دادگاه تجدیدنظر انتظامی کارشناسان رسمی دادگستری، از جمله با حضور آقای محسن اهوراکی قاضی شهیر دادگاه تجدیدنظر تهران (در مقام رییس شعبه دوم دادگاه انتظامی) کارشناس مقصر شناخته و محکوم شد.

*حکم برائت اسماعیل پیروز پس از ۷ سال صادر شد

همین محکومیت به عنوان دلیل جدید جهت اعاده دادرسی کیفری استفاده شد، که شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۹۴ رای قطعی قضایی شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر تهران را نقض کرد و پرونده جهت تجدید رسیدگی به شعبه ۷۰ تجدیدنظر تهران (از شعب اختصاصی رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی) ارجاع شد، که پس از ۷ سال حکم قطعی بر برائت آقای پیروز صادر شد. حاجی پور می‌گوید: مبنای حکم قطعی شعبه ۷۰ دادگاه تجدیدنظر تهران این است که آقای پیروز از جرم رخ داده، بی اطلاع بوده و هیچ گونه ستمی در ارتکاب آن نداشت و در مراحل رسیدگی قضایی، به مدارک وی مبنی بر این که حتی یک ریال به وی تعلق نگرفته، توجه نشده است. لذا این سوال مطرح است که چرا قضات مراحل پرونده به این نتیجه نرسیدند؟ پاسخ این است که به اسناد و مدارک متقن و دفاعیات و کلاهی وقت توجه نداشتند. در سال ۱۴۰۱ یعنی دقیقاً ۱۰ سال پس از صدور حکم قطعی محکومیت، آقای پیروز بی گناه شناخته شد، اما به بهای از دست دادن سه سال عمر و تضییع میلیاردی مال، آنهم در اوایل دهه ۹۰، و آسیب‌های روحی که بر خانواده و خصوصاً دختران سه قلویش خردسالین رفت.

*پیروز: تاوان تخلف و تقصیر قضات را چرا باید من و خانواده ام بدهیم؟!

پیروز می‌افزاید: این تخلف و تقصیر قضات قوه قضائیه موجب شد فرزندم برای نامزدی انتخابات شورای شهر درصلاحیت شود. آپارتمانم با ارزیابی نازل برده شد و آبرویم و شرف و سوسی خیرگزاری فرست رفت و مدت‌ها ممنوع‌الخروج شدم. آیا این‌ها حق الناس نیست؟ اکنون که حکم قطعی بر بی گناهی من صادر شده، تکلیف بی توجهی قضات به دفاعیات و صدور احکام ظالمانه و تبعات زندگی سوز آن چه می‌شود؟ آیا قوه قضائیه نمی‌خواهد بر بالایی که بر سر من آمده، اقلاً به عنوان عبرت بنگرد و نظارت موثر بر عمل کرد قضات را تقویت کند؟ تا در آینده چنین مواردی تکرار نشود، اگر شد، سریعاً احکام حق شود، نه زمانی که رای غیرقانونی تماماً و کاملاً اجرا شده و تیره فقط ارزش تشفی روانی دارد. وی به سخنان ریاست قوه قضائیه اشاره کرد که در جلسه‌ای خطاب به قضات بیان داشته که باید از جهات مختلف بسیار مراقبت و مواظبت کنید، و اگر خدای ناکرده گامی را به خطا برداشتید، بلافاصله جبران مافات کنید و اجازه ندهید که در دره فروغلتید.

پیروز در خصوص روند رسیدگی به پرونده‌های مشابه افزود: از جمله ایرادات این است که متأسفانه برخی ضابطان قضایی با افزودن اوراق بی ربط یا تکراری، به هر انگیزه تلاش می‌کنند حجم برخی پرونده‌ها را افزایش دهند، و نتیجه این می‌شود که قاضی اگر حسن نیت داشته باشد - که ان‌شاءالله در قریب به اتفاق موارد چنین است - به دشواری قادر بر تمرکز بر اصل موضوع می‌شود.

رهبر انقلاب بارها فرموده‌اند که قضات باید پاسخگو باشند و «احکام دادگاه‌ها بایستی مطلقاً از سهل انگاری و سهل گیری به دور باشند. شما به عنوان یک قاضی محترم، حکمی که صادر می‌کنید، باید جوری باشد که اگر این حکم بنا باشد در معرض دید متخصصین امور فقهی و حقوقی قرار بگیرد، شما هیچ دغدغه‌ای نداشته باشید؛ مطمئن باشید به این حکمی که صادر کرده‌اید. قاضی وقتی از دانش لازم برخوردار است و مراقب کار خود و حکم خود هم هست، باید جوری باشد که همان وقتی که این حکم صادر شد، حاضر باشد آن را در معرض دید همه کارشناس‌ها و متخصصین قرار بدهد و بتواند از حکم خودش دفاع کند.

*پیشنهاد آقای وکیل به قوه قضائیه

دکتر حاجی پور وکیل اسماعیل پیروز پیشنهاد داد که قوه قضائیه چه در این پرونده و چه در سایر پرونده‌های با سرنوشت مشابه، در پژوهش گاه خود با حضور قضات صادرکننده تصمیمات ناعادلانه و قربانیان آن تصمیمات و به ویژه وکلای آنان، جلسه نقد و پاسخ‌گویی تشکیل دهد و نتیجه‌گیری مؤثر نماید. وی افزود دقت نظر قاطبه قضات مملکت موجب فخر است و بروز پیش آمدهایی از قبیل موضوع حاضر



دکتر علی حاجی پور وکیل پایه یک دادگستری

گرچه امیدواریم که قلیل باشد، اما نظر به این که حیثیت، آبرو، آزادی و مال اشخاص در میان است، روانیست که حتی ذره‌ای کم‌دقتی مجال ظهور یابد، چه رسد به صدور رای قطعی بر پایه «غمض عین بر واقعیت‌ها» و حتی فراتر از آن، «قلب آن واقعیت‌ها» وی گفت: با به‌روزرسانی روش تحقیق اصل ۱۷۱ قانون اساسی، جهت پیش‌گیری از رخ داد چنین اتفاقاتی در آینده، سازوکاری اندیشیده شود که طبق آن «قطعیت رای» به همان اندازه که بر زندگی و جان و حیثیت و آزادی و مال آحاد جامعه اثر گذار است، قضات سهل انگار و مقصر و متخلف نیز از آثار سوء صدور احکام قطعی غیرقانونی مصون نمانند، و پس از بررسی دادخواهی قربانی و زیان‌دیده علیه اقدام قاضی، چنانچه تقصیر یا تخلف و سببیت مستقیم آن در صدور رای قطعی غیرقانونی احراز گردد، دستگاه قضاء در پیراستن خدشه از دامن اعتبار خود تأخیر و تعلل روا ندارد. لازم به ذکر است که در سال‌های اخیر، با پررنگ شدن کمیت رسیدگی‌ها، متأسفانه عرصه‌ای گسترده بر امکان بروز اشتباه و تقصیر و تخلف در صدور آرا قطعی گشایش یافته، لذا طراحی روشی معقول جهت برخورد با تبعات بی‌عالتی ناشی از این امر، برای حفظ اقتدار و عدالت دستگاه قضایی اهمیت حیاتی دارد. به عبارتی، «به موازات تمرکز بر تسریع در رسیدگی، تضمین تسریع در دفع نتایج سوء ناشی از تسریع در رسیدگی ضرورت دارد، و این دو لازم و ملزوم هم می‌باشند».



قضات سهل انگار، مقصر و متخلف نباید از آثار سوء صدور احکام قطعی غیرقانونی مصون بمانند



ماهنامه سرسری میدان آزادی
شماره: ۱۷
۳۰ تیر ماه ۱۴۰۳



اسماعیل پیروز کارآفرین بسیجی



ماهنامه سراسری میدان آزادی
(اجتماعی-سیاسی)

شماره: ۱۷
۳۰ تیر ماه ۱۴۰۳
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی کسایی زاده

چاپخانه: آیین چاپ

خبرنگار، طراح و سردبیر:
سید هادی کسایی زاده

آدرس:
تهران-خیابان آیت الله کاشانی-خیابان بهنام-
کوچه بهنام سه-ساختمان پارسه واحد ۴
تلفن: ۰۹۳۵۸۰۹۰۳۶۳

شبکه اجتماعی

توثیق های سید هادی کسایی زاده روزنامه نگار

سید هادی کسایی زاده / روزنامه نگار
@kasaiezadeh

ایشان **#وزیرنیرو** هستند. نه ببخشید پنکه است. وزیر نخبه گفتند برای جلوگیری از مصرف برق مردم پنکه جایگزین کولر کنند. داداش تصور نمی کنی تولید رمازدر حوزه علمیه یا دادن برق سه فاز به **#افغان** ها برای مافیای پلاستیک هم دلیل مصرف برق است.

Translate post



46... @... سید هادی کسایی زاده / روزنامه نگار
اسماعیل رضوانی یکی از مدیران با تجربه و نخبه منطقه آزاد چابهار پس از مصاحبه انتقادی از سوی پادارچی های دولت **#پزشکیان** عزل شد. آزادی بیان مثل همان هدیه دستمال توالیت نماینده ابهر به خیزندگان است. @drpezeshkian



سید هادی کسایی زاده / روزنامه نگار
@kasaiezadeh

این چهره پادارچی منصوب به **#جلیلی** ۷ ماه است بعنوان سرپرست معاونت سیاسی رسانه میلی مشغول به کار است و چون عدم صلاحیت دارد حکم او صادر نمی شود. اخبار صدا و سیما و خیزنگارانش زیر دست این آدم است. او طبق قانون صندلی غضب کرده و فعالیتش غیرقانونی است.

Translate post



**کیمیا بیشتر حاشیه دارد
برای المپیک تهرین می کنم**

رهبری فر قهرمان ایران و جهان خود
برای المپیک ۲۰۲۸ آماده می کند.



علی رهبری فر جوان ۳۰ ساله، قهرمان کاراته سبک کاتا ایران و جهان و کارشناس (کارمند) بخش فناوری اطلاعات کانون سردفتران و دفتریاران در مورد برگزاری مسابقات جهانی المپیک در رشته ورزشی خود می گوید: علی رغم حضور پر رنگ رشته کاراته در المپیک ۲۰۲۰ توکیو متأسفانه بنابر دلایل نه چندان قابل اتکا این رشته ورزشی پر طرفدار در سرتاسر جهان که همیشه به علت تعدد طرفدارانش در میان چند ورزش پر مخاطب دنیا قرار دارد بنابر دلایل دآوری از حضور در المپیک پاریس بازماند اما با تلاش های فدراسیون جهانی کاراته و اصلاحات لازم امید است که این رشته به المپیک ۲۰۲۸ لس آنجلس راه پیدا کرده و دوباره شاهد درخشش قهرمانان ارزنده این ورزش باشیم. بنده به نوبه خود آمادگی لازم جهت حضور در این آوردگاه مهم را همواره از لحاظ آمادگی بدنی و هم از نظر فکری و تاکتیکی فراهم آورده ام و باور دارم که اگر حمایت های لازم چه از من و سایر ورزشکاران مستعد کاراته کنترلی ایران بعمل آید قطعاً ایران در این رشته همانند تکواندو که در المپیک ۲۰۲۴ پاریس درخشید می تواند حامل مدال های رنگارنگ برای کاروان ایران در میعادگاه لس آنجلس باشد.

این قهرمان ملی در ادامه گفت: گرچه نسبت به امکانات و شرایط موجود در حوزه خود رضایت خاطر ندارم اما پاداش اعطایی به ورزشکاران از سوی وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و فدراسیون های مربوطه بالاخص برای کشتیگران به نسبت سایر کشورها شرکت کننده المپیک در وضعیت قابل قبولی بود. اما به هر حال یک ورزشکار قبل از هر پاداشی باید زندگی آسوده و توام با آرامش برای نیل به اهداف بلند خود داشته باشد تا بتواند در شرایط ایده آل پرچم کشور خود را بر فراز قله های افتخار به احتزاز در بیاورد این حمایت ها تنها از سوی دولت و وزارت ورزش و جوانان که متصدی امور هستند میسر است و باید شرایط برای رشد یک جامعه پویا از سوی این نهادها فراهم گردد.

رهبری فر در مورد مسابقه کیمیا علیزاده در مقابل دختر قهرمان ایرانی و حاشیه های رخ داده گفت: متأسفانه طی سال های اخیر ورزشکاران به دلیل عدم توجه، نبود حمایت های لازم و مشکلات معیشتی همواره در حال دست و پنجه نرم کردن با مشکلات روزمره زندگی هستند. افرادی مثل خودم که در زمینه ورزش حرفه ای فعالیت دارند اگر از حمایت اسپانسر برخوردار نشوند مجبورند تا خود هزینه ها را تامین کنند. به همین علت یا از ادامه مسیر بازمانده یا بازدهی آنها رو به افول می رود یا مجبور می شوند برای پرچم دیگری که حمایت های لازم از آنان را بعمل می آورند مسابقه دهند، گرچه شخصاً این مورد را حتی در بدترین شرایط ممکن خود نمی پسندم اما ورزشکاری که عمر خود را صرف کرده چه باید کند؟ نه آینده روشنی برای خود متصور است و نه می تواند چشمش را روی زحمات خود و خانواده ببندد.

ناچاراً دست به تصمیمی می زند که نه خود و نه مردم دوست دارند شاهد این وضعیت باشند. امید است مسئولان محترم به وظایف خود به نحو شایسته عمل کنند تا دیگر شاهد این ماجرا نباشیم که فرزندان ایران برای سرزمین های بیگانه یا به میدان مسابقه قرارداد دهند. بنده از نظر یک ورزشکار هنر های رزمی برای سرکار خانم علیزاده احترام قائم اما روند حرفه ای ایشان را قبول ندارم، او در المپیک های اخیر یک بار برای سرزمین مادری، بار دیگر برای تیم پناهندگان و در آخر برای تیم ملی بلغارستان وارد مسابقه شده و حس می کنم بیشتر شاهد حواشی خود بوده تا دست آورد هایش، چراکه یک ورزشکار علاوه بر زندگی حرفه ای خود باید الگوی مناسبی برای جامعه خودش باشد از نظر من تصمیمات کیمیا می توانست بهتر از این ها باشد.

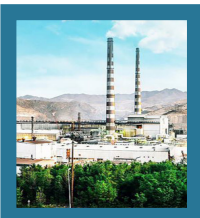
بهرتر است از آقای رضا علیپور بعنوان یک سوپر ورزشکار در ایران یاد کنیم ایشان به الگوی ورزشی بی نظیر نه برای ورزشکاران ایرانی حتی برای ورزشکاران خارج از ایران تبدیل شده نه تنها به خاطر دست آوردهایش بلکه بخاطر خودداری، ذهن برتر و سازنده و وطن پرستی.

این قهرمان ملی در مورد حضور خود در المپیک آینده گفت: تارگت ورزشی من قطعاً المپیک ۲۰۲۸ لس آنجلس می باشد و امید دارم با رفع موانع موجود کاراته در این رویداد مهم ورزشی حضور داشته باشم. اما در حال حاضر تمام تمرکز بر روی مسابقات پیش رو از جمله لیگ کاراته وان است. وی در مورد درصد بگیران و دلالتان ورزشی گفت: متأسفانه بازار دلال ها هر روز گرم تر از دیروز می شود و دستشان به جاهایی می رسد که حتی گمانش را هم نمی برید، یکی از علت های افول ورزش ایران قطعاً حضور پر رنگ دلال ها در تمامی عرصه ها است. درصد و پاداش و ... که برایشان اصلاً به حساب نمی آید گویا قبل تر و دست به نقد از جامعه متمول خود را تطمیع می کنند و اینگونه حق افراد محروم و با استعداد پایمال می شود.

در پایان برای همه جوانان و ورزشکاران عزیز آرزوی سربلندی و عاقبت بخیری دارم و امیدوارم افق روشن برای همه ما نمایان گردد تا دیگر شاهد فرار استعداد ها و نواای خود نباشیم تا در کنار یکدیگر ایرانی باشکوه و سرفراز بسازیم. گرچه نام ایران همیشه و همیشه در هر شرایطی چون خورشید تابان می درخشند. قطعاً جایگاه ایران در المپیک ده ها برابر وضع موجود است اما باید مسئولان همت بیشتری برای کشف استعدادها و حمایت از ورزشکاران انجام دهند تا جهان را خیره به مدال های طلا کنیم.

**افشای فساد مس ایران
خانه فساد را ویران کنید**

سید هادی کسایی زاده
مدیرمسئول و سردبیر



کشور ایران با برخورداری از ۶۸ گونه ماده معدنی و شناسایی نزدیک به ۶۰ میلیارد تن ذخایر معدنی، از دید گوناگونی، میان کشورهای جهان، در جایگاه دهم جدول قرار دارد و حدود ۷ درصد از ذخایر معدنی کل جهان را به خود اختصاص داده است. یادم هست در گفتگو و دیداری که با مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی داشتم ایشان گفتند: معادن ایران به تنهایی می تواند هزینه های کشور را تامین کند و نیاز به فروش نفت نداریم. اما آنچه که حائز اهمیت است آنکه دست مردم ایران و رسانه ها از پشت پرده معاون کوتاه است و هیچ خبرنگار تخصصی در این حوزه نداریم و حتی اجازه ورود به معاون ایران برای خبرنگاران ممنوع است. وزارت صمت هم آمار معاون و میزان استخراج و هزینه و درآمد آن را از دید مردم پنهان کرده و حتی خبری از معاون طلا و فیروزه و ... هم در رسانه ها منتشر نمی شود. در این میان افراد سودجو زیادی درآمدهای نجومی از معادن به جیب می زنند. بعنوان مثال ایران دارای سه معدن مس سرچشمه و میدوک در استان کرمان و سونگون در استان آذربایجان شرقی است که جزو ۷ هزار معدن فعال کشور هستند. آمارها می گوید: ایران سالانه حدوداً ۳۰۰ هزار تن مس تولید می کند که از این مقدار تقریباً ۱۶۵ هزار تن در کشور مصرف می شود. حالا سوال اینکه الباقی مس کجا می رود؟ هیچ خبری از آن نیست و رسانه ای نشده است. با این حال انتصابات و شرکت های تخصصی در حوزه اکتشاف و فروش محصولات معدنی چه دولتی و چه غیردولتی به صورت سکوت پیش می رود مگر آنکه در این میان فرد مومن و دلسوزی تاب نیاورده و فسادها را به خبرنگاران ضدفساد گزارش کند. در جدیدترین اسنادی که در حوزه مس ایران به دستم رسیده است نشان می دهد برخی شرکت های مرتبط با مس، فعالیت های مشکوک و مجرمانه ای انجام داده اند و علی رغم گزارش به مراجع نظارتی و امنیتی هیچ اقدامی ... تاکید می کنم: «هیچ اقدامی» برای مبارزه با فساد در مس رخ نداده است. خرید ماشین آلات سنگین کارکرده آن هم بدون درج تاریخ ساخت آیا عادی است؟ خرید لاستیک های یک میلیارد تومانی معدنی برای خودروهای سنگین که جر خورده و پارگی دارند آیا امری عادی است؟ یا اینکه مثلاً با کنسرسیوم غیرقانونی و فاقد مجوز می شود پای میز قرارداد نشست؟ شاید هم استفاده یک شرکت از کارت بازرگانی شرکت دولتی چیز خاصی نیست؟ حتماً از دیدگاه های نهادهای نظارتی می شود ساختمان های شرکت های دولتی را زیر قیمت به دوستان فروخت و موردی ندارد با افزایش کارکنان و تجهیزات اما خروجی و بهره وری کمتری نسبت به سال قبل داشت. جالب آنکه یکی از شرکت ها با فروش ماشین آلات سنگین خود آن را جزو سود محاسبه کرده و مدعی موفقیت شرکت شده است. برای من تعجب آور است که به راحتی یک شرکت ده ها تن اسید سولفوریک غلیظ را در طبیعت رها کند اما محیط زیست و نهادهای نظارتی توجهی نداشته باشند و نماینده مجلس هم از مدیر فساد حمایت کند. شاید هم در پروتکل های ماله کشی نظارتی درج شده که می شود شرکت برنده را نادیده گرفت و با شرکت بازنده قرارداد امضا کرد. اینها تنها بخشی از ۵۰۰ صفحه فساد شرکت های مرتبط با مس ایران است که به دستم من رسیده است. سوال می کنید که چرا به دستگاه های نظارتی و امنیتی برای برخورد ندادند؟ سوال بسیار خوبی است. اتفاقاً به شما هم داند و یک بار نه بلکه چندین بار اما در یک سال گذشته هیچ اتفاقی رخ نداده جز آنکه تماس گرفتند و به گزارشگر گفتند غلط می کنی باردیگر گزارش کنی! وقتی یک مدیری ۲۰۰ میلیون تومان می دهد تا مدیر برگزیده جهادی شود طبیعی است نخواهد اقدام موثری داشته باشید. من بعنوان روزنامه نگاری که سالهاست مورد ظلم افراد و مدیران فاسد در برخی قوای سه گانه قرار گرفتم بسیار بسیار بسیار از مبارزه با فساد در ایران ناامید هستم چون مقابله کنندگان با فساد بعضاً خود فاسد هستند. این را آنقدر دیدم که می توانم مهر تأییدی بر فساد شبکه ای و ریشه ای در بنده دولت و بعضاً نهادهای حکومتی بزنم. به آقایان گزارشگر فساد گفتم من اسم و نام شرکت و مدیران فاسد را در این گزارش نمی نویسم. اسناد فساد را هم منتشر نمی کنم. مگر وقتی پرونده صادقی امام جمعه تهران را منتشر کردم اتفاق خاصی رخ داد؟ اتفاقاً جایگاه ایشان محکم تر شد. در این کشور خرید و فروش، افشای فساد بیشتر برای فرد فاسد معنویت و مقبولیت به همراه دارد و عزت بیشتری پیدای می کند. با این حال اشاراتی داشتم در مورد فساد در صنعت مس ایران تا اگر در میان دستگاه های نظارتی فردی متفاوت و خاص یافت شد با او در مورد مستندات پای میز مذاکره بنشینم. وضعیت به نحوی شده که باید از دستگاه نظارتی رسید بگیریم که از مستندات بهره برداری سیاسی و غیره نکند بلکه با آن مبارزه کند. امیدوارم آتاکک وزیر جدید صمت، پزشکپیان رئیس جمهور و برخی افراد مومن در نهادهای نظارتی با مطالعه این گزارش در یابند که فساد عمیقی در مس رخ داده که همه برای دولت سیزدهم است. تمام مستندات فساد را در اختیار قرار می دهم به شرط آنکه ماله کشی نشود و تمام مفسدان دستگیر، محاکمه و افشا و رسانه ای شوند. گزارشگران هم مورد تشویق قرار بگیرند نه اینکه آنها را برکنار و جایجا کنند. در آخر با اعلام ناامیدی از عدم برخورد با فساد اگر قلباً تمایل به مبارزه با فساد داشتید با من تماس بگیرید. ۰۹۳۵۸۰۹۰۳۶۳ تا در مکانی عمومی مستندات را تحویل داده و قول پیگیری از شما برای بررسی و برخورد بگیرم. بعد در مورد فساد اخلاقی هم گفتگو می کنیم که مستندات هست.